

به سنن بهمن وفادار بمانیم (به مناسبت ۳۱ - مین سالگرد ۲ بهمن ۱۳۲۴)

برفی که از روزها پیش می‌بارید کوه و صحرا را پوشانده بود. راه ماشین‌رو میان شهرها گاهی روزهای متوالی مسدود می‌ماند. در اکثر مناطق اسب نیز تا شکم در برف فرو می‌رفت و از حرکت باز می‌ماند. راه‌پیمایی بر روی قشر فوقانی منجمد شده برف مطمئن‌ترین طرز مسافرت بود. زمهریر سوزانی که با غریوی سهمگین در صخره‌ها و درختان عور می‌پیچید و کوه‌های برف را از سویی به سویی می‌راند، حرکت را بر روندگان مشکل‌تر می‌ساخت.

در چنین زمستانی (اواخر دی‌ماه سال ۱۳۲۴) هزاران نفر چارق به پا و تفنگ بردوش و عصا به دست با بسته‌های نان و توشه راه بر پشت پیاده و سواره و عده‌ای با اسب و با ماشین از مسافت دور و نزدیک به سوی مهاباد برای شرکت در مراسم تأسیس حکومت ملی کردستان در حرکت بودند. اکثریت آنان را که دهقان، پیشه‌ور، کارگر، روحانی و روشنفکران میهن‌پرست، سرمایه‌دار ملی، افراد آزادی‌خواه عشایر و دیگران بودند، اعضای حزب دمکرات کردستان تشکیل می‌داد. یگانه نیرویی که گاهی روزهای متوالی این کاروان چندین هزار نفری را از میان امواج برف و یخ به پیش می‌برد جز یک هدف عالی از هر هدف دیگری، یعنی عزم آزادی و امید سعادت خلق چیز دیگری نمی‌توانست باشد.

در آن ایام خلق کردستان ایران در شرایط تاریخی پیروزی جهانشمول سوسیالیسم بر فاشیسم و در متن نهضت انقلابی ایران که تحت رهبری حزب توده ایران به رشد و مقیاس بی‌سابقه‌ای دست یافته بود می‌رفت تا به مثابه جزئی از این نهضت به پا خیزد و دوش‌به‌دوش برادران آذربایجانی در گوشه‌ای از خاک میهن ما ایران سنگر آزادی را مستقر سازد و به همراهی همه مردم ایران شالوده ایرانی دمکراتیک، آزاد و مستقل را پی‌ریزی کند.

شهر مهاباد که آنزمان کم‌تر از ۲۰ هزار سکنه داشت چندین هزار میهمان، یعنی نمایندگان خلق را با آغوش باز پذیرفت. روز ۲ بهمن سال ۱۳۲۴ تحت رهبری حزب دمکرات کردستان، در میتینگ عظیم نمایندگان خلق که نقش مجلس مؤسسان را بازی کرد، برای بار اول در تاریخ خلق کرد حکومت خودمختار دمکراتیک کردستان در داخل ایران اعلام گردید و قاضی محمد یکی از چهره‌های درخشان تاریخ معاصر کردستان و سرتاسر ایران به رهبری این حکومت برگزیده شد.

حکومت ملی کردستان تحت رهبری حزب دمکرات کردستان سلطه ارتجاع و امپریالیسم را از منطقه تحت حاکمیت خود برانداخت و حکومت خلق را مستقر کرد. فرمانروایی بلاشریک طبقه فئودال- عشیره‌ای را در هم شکست و نمایندگان طبقات و قشرهای خلقی را به صفوف مقدم زندگی سیاسی و اجتماعی جلو کشید. طبق شرایط زمان و اوضاع ویژه کردستان به اصلاحات مادی و معنوی به سود خلق دست زد. جنبش کرد را از حالت انزوا و از دسترس نفوذ ارتجاع و امپریالیسم به در آورد و آن را بر مبنای انترناسیونالیسم رشدیابنده با جنبش آذربایجان و انقلاب سرتاسری ایران که طبقه کارگر و حزب توده ایران در مرکز آن قرار داشت، پیوند داد. در سمتگیری جهانی خود به طور قاطع موضع ضد امپریالیستی گرفت و بر جنبش انقلابی جهان و در رأس آن اتحاد شوروی تاسی نمود. و آنگاه به مقتضای سرشت خود و طبق اراده و نیازمندی‌های حیاتی خلق کرد همه این محتوای دموکراتیک و انقلابی را در قالب خودمختاری خلق کرد در داخل ایران ریخت و بدین وسیله ستم ملی را برانداخت. به ویژه کسانی که با تاریخ گذشته خلق کرد آشنایی دارند به روشنی پی می‌برند که جنبش ۲ بهمن با ایجاد یک چنین چرخشی در سرنوشت کردستان و با پی‌ریزی اصول عمده جنبش معاصر کرد بزرگ‌ترین خدمت را به خلق کرد انجام داده است. حکومت ملی کردستان گرچه بیش از یازده ماه نپایید و با تهاجم مشترک ارتجاع ایران و امپریالیسم آمریکا و انگلیس سرنگون گردید، ولی بدون بیم از مبالغه باید این واقعیت را تکرار کنیم که این دوران کوتاه با روح دمکراتیک، محتوای انقلابی و سمتگیری درست خود که در بالا برخی از عمده‌ترین جهات آن به اختصار بیان شد به نسل‌های امروز و آینده خلق کرد یگانه راه آزادی را نشان داد. این راه که به رهبری حزب دمکرات کردستان و پشتیبانی همه نیروهای مترقی و انقلابی ایران و جهان و با تاسی بر منافع و اراده توده زحمتکش خلق کرد آغاز گردید یگانه راهی است به طور قاطع پیروزمند، منطبق با راه همه خلق‌های جهان و لذا راهی است که برای خلق کرد سعادت واقعی و برای روندگان مبارز خود افتخاری جاودان می‌آفریند. بنیان‌گذاران، اجراکنندگان و رهبران این جنبش در تاریخ مقامی بس ارزنده دارند و نسل‌های حق‌شناس همیشه با حس احترام در برابر خاطره شهدای این نهضت: قاضی محمد، سیف قاضی، صدر قاضی، شیرزاد، فاروقی، نقده‌ای و ده‌ها و صدها مبارز دیگر سر تعظیم فرود خواهند آورد.

اکنون که سی سال از سرکوب خونین نهضت ۲ بهمن می‌گذرد علی‌رغم وعده‌های عریض و طویل و «انقلاب سفید» و مدعاهای پیشروی به سوی «تمدن بزرگ» در نتیجه سیاست ارتجاعی رژیم که نسبت به کردستان به زهر شونیسیم نیز آمیخته است با کردستانی سر و کار داریم که در مجموع خود عبارت است از هزارها روستای ویران و چند شهر عقب‌مانده با یک کشاورزی و دامداری قرون وسطایی، فاقد مراکز

صنعتی و حتا یک متر راه‌آهن، محروم از فرهنگ و بهداشت و عادی‌ترین وسایل زندگی. زبان کردی قدغن، تاریخ و فرهنگ ملی خلق کرد انکار و حق تعیین سرنوشت وی ظالمانه غصب می‌شود. با کردستانی سر و کار داریم که به دست رژیم دست‌نشانده امپریالیسم به خون بهترین فرزندان خلق آغشته گردیده و با شبکه‌ای از ارتش، ژاندارمری، سازمان امنیت و گروه‌های چریکی دولتی در محل (به کردی «جاش») تحت نظارت مأموران آمریکایی پوشانده شده.

به موازات تعقیب و شیبخون و قتل و حبس یکی از عمده‌ترین وسایل رژیم برای جلوگیری از نضج جنبش در کردستان عبارتست از کوشش به منظور ایجاد تفرقه و شکاف میان جنبش کرد و نهضت انقلابی سرتاسری ایران و به ویژه حزب توده ایران. دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و اسرائیل به دستکاری سازمان امنیت ایران و به کمک عمال محلی خود و زیر انواع عناوین و پرده‌ها در کردستان سم ضد کمونیسم و ضد شوروی می‌پراکنند و با تأسف باید بگوییم که در مواردی از این ممر صدمات سنگین به کار آزادی خلق کرد می‌زنند.

جنبش ۲ بهمن با افتخارات ابدیش به تاریخ پیوسته است. ولی هر قدر در طریق آینده جلوتر می‌پوییم و فاصله زمانی ما از جنبش پیش‌تر می‌شود به اهمیت تاریخی آن بیش‌تر پی می‌بریم. آنان که جز سعادت خلق کرد هدف دیگری ندارند باید همیشه این مسأله را به یاد داشته باشند که جنبش آزادی‌بخش خلق کرد پس از گذشت از ورطه‌های هولناکی از خیانت و نیرنگ و دریایی از خون و سرشک در یک شرایط مشخص تاریخی امکان یافت تا خود را به سطح جنبش ۲ بهمن ارتقاء دهد، در ردیف عظیم جنبش انقلابی ایران و سرتاسر جهان قرار گیرد و مبانی کاملاً جدید ایدئولوژیک و سیاسی خود را پی‌ریزی کند. مهم‌ترین وظیفه مبارزان انقلابی خلق کرد آنست که اصول و سنن انقلابی ۲ بهمن را با جان و دل حفظ کرده و آن را با روح دوران ما و به طور خلاق و منطبق با شرایط کردستان جلوتر برند و از لحاظ شکل و محتوا غنی‌تر سازند. رفتن به سوی قهقرا (به هر عنوان و دلیلی) و تنزل از سطح اصولی و سنن جنبش ۲ بهمن و سال‌های تکاملی بعد از آن بی‌اعتنایی نسبت به این اصول و سنن و یا احتمالاً نقض آن‌ها در حکم انتحار برای جنبش خواهد بود.

در این راه باید قبل از هر چیز اصول و سنن ۲ بهمن را از دستبرد ارتجاع و امپریالیسم محفوظ داشت. آن‌ها ضمن امحای فیزیکی میهن‌پرستان کردستان با اتهامات گوناگون از قبیل «تجزیه‌طلبی» و «تجاسر و اخلال علیه استقلال و تمامیت کشور» می‌کوشند افکار عمومی را علیه جنبش ۲ بهمن و ادامه‌دهندگان آن تحریک کنند.

جبهه دیگری که باید از فراز سنگرهای آن به طور مداوم از سنن و اصول جنبش ۲ بهمن دفاع کرد جبهه مبارزه در داخل خود جنبش کرد است که در اصل و طبق سرشت خود جنبشی است دمکراتیک که به مقتضای مواضع طبقاتی شرکت‌کنندگان آن در صفوفش تمایلات مختلفی وجود دارد که گاهی با اصول و سنن جنبش ۲ بهمن تباین می‌یابد. طی ۳۰ سال اخیر تمایلات مذکور اغلب در زمینه سرشت طبقاتی جنبش

و مناسبات آن با نهضت کارگری ایران بروز کرده است. گاهی عقب‌ماندگی اجتماعی-اقتصادی کردستان دلیل آورده می‌شود و بر مبنای آن سخت گفتن از طبقه کارگر در کردستان حداقل زاید محسوب گردیده است. ولی به کلی روشن است که درست به علت همین عقب‌ماندگی اجتماعی-اقتصادی کردستان و فقدان نیروی کارگری لازم در این منطقه برای به در آوردن «سرنوشت» خلق زحمتکش کرد از سلطه طبقات و قشرهای ضد خلقی باید دست طبقه کارگر را گرفت و جنبش آزادی‌بخش خلق کرد را که به علت همان عقب‌ماندگی گزندپذیر است برای حفظ از گزند و تأمین رشد مترقی آن به طور ارگانیک با نهضت کارگری ایران که تحت رهبری حزب مارکسیستی-لنینیستی آن، یعنی حزب توده ایران قرار دارد پیوند داد. کردستان ایران در حالی که می‌تواند در وحدت با جنبش کارگری ایران و تحت پرچم طبقه کارگر زندگی سیاسی و تاریخ خود را به مراتب سریع‌تر، کم‌رنج‌تر و بنیادی‌تر به سود توده‌های عظیم زحمتکش به پیش برد چرا باید از این امکان بزرگ تاریخی که یگانه راه درست است امتناع ورزد؟ آیا یک میهن‌پرست واقعی و یک مبارزه انقلابی می‌تواند این واقعیت روشن را مورد توجه قرار ندهد؟ مگر جز آزادی و سعادت خلق هدف دیگری می‌تواند وجود داشته باشد؟

باید اطمینان داشت که به شرط مبارزه متشکل و پیگیر مبارزان انقلابی کردستان و برخورد خلاق و اصولی به مسایل کردستان و تجربه‌اندوزی از دیگر کشورهای همانند، جنبش کرد در ایران بر مشکلات خود فایق خواهد شد. حزب توده ایران کمک به احیای سازمان‌های حزب دمکرات کردستان را بر اساس اصول و سنن انقلابی جنبش دوم بهمن وظیفه مقدس و تعطیل‌ناپذیر خود می‌داند. جز نیروهای انقلابی خود کردستان کس دیگری مبتکر و مؤسس حزب دمکرات کردستان نبوده است. ولی این واقعیت را نیز نمی‌توان قبول نکرد که حزب توده ایران، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان جز محصول یک محیط و یک شرایط عمومی و جز بخش‌های یک روند واحد انقلابی سرتاسر ایران که به علل شرایط مشخص تاریخی به صورت سازمان‌های جداگانه وجود داشتند و عمل می‌کردند چیز دیگری نبودند. این واقعیت تاریخی بدین مضمون در برنامه حزب توده ایران منعکس گردیده است: «در سال‌های جنگ دوم جهانی و پس از آن، جنبش رهایی‌بخش ملی و دمکراتیک مردم ایران نیرویی فراوان و دامنه‌ای وسیع یافت. حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ به مثابه ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران تشکیل گردید و بر رأس جنبش وسیع مردم ایران قرار گرفت، در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۴ جنبش ملی و دمکراتیک در آذربایجان و کردستان دامه وسیعی یافت. در این مناطق احزاب دمکرات آذربایجان و کردستان به وجود آمدند و به مبارزه قهرمانانه‌ای برای مصالح خلق دست زدند.»

حزب توده ایران به مثابه حزب مارکسیستی- لنینیستی طبقه کارگر ایران نمی‌تواند ارزش لازم را به تاریخ انقلابی خلق دهد و به مصالح امروز و فردای خلق ستمدیده کرد نیندیشد و با حس احترام نسبت به دمکرات‌ها و انقلابیون راستین کردستان نظر برادرانه خود را با آن‌ها در میان نگذارد و با همه امکانات خود آماده کمک به احیاء و گسترش کار آن‌ها نباشد. این‌که حزب توده ایران حزب دمکرات کردستان را از خود می‌داند، اولاً- به علت اعتماد راسخ به مبداء و منشاء انقلابی این حزب است، ثانیاً- دلیل اعتقاد حزب توده ایران به استعداد و نیروی انقلابی خلق کرد و آینده روشن و آزاد این خلق است و ثالثاً- نظر حزب توده ایران بر این واقعیت مبتنی است که تأمین آزادی ایران وظیفه مشترک همه خلق‌های ایران است و جز طبقه کارگر هیچ نیروی دیگری خلق‌های ستمدیده کشور ما را از یوغ اسارت ملی نجات نخواهد داد.

به مناسبت ۳۱- مین سالگرد جنبش تاریخی ۲ بهمن همه مردم ایران و در پیشایش آن‌ها، حزب توده ایران به خلق مبارز کرد، دمکرات‌ها و میهن‌پرستان کردستان درود می‌فرستند. شک نیست که به نیروی مبارزه متحد همه مردم ایران و کلیه نیروهای ملی و مترقی کشور دیکتاتوری سیاه محمدرضا شاهی سرنگون خواهد شد، ایرانی دمکراتیک و مستقل به وجود خواهد آمد و در داخل آن خلق کرد حقوق طبیعی خود را به دست خواهد آورد.

منبع: دنیا، نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران، سال سوم، دوره سوم، شماره ۱۰، آذر ۱۳۵۵